

حرص

ابوالفضل بغمایی

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً^۱

همانا انسان، حریص و کم‌طاقت آفریده شده، وقتی بدی به او می‌رسد بی‌تابی می‌کند و هنگامی که خیری دریافت می‌کند، مانع دیگران می‌شود.

مفهوم‌شناسی

هلوع در لغت چهار معنا دارد؛ حرص، جزع، کم‌صبری و بی‌حوصلگی. معنای هلوع همان تمایل و حرص به لذت‌های دنیاست. جزع و کم‌صبری و بی‌حوصلگی از آثار آن است.^۲

تفسیر آیه

این آیه به کم‌طاقتی و ولع انسان‌ها اشاره دارد. نیز آیاتی که در این سیاق وارد شده و انسان را با صفت منفی وصف نموده، به بعد غریزی و حیوانی او اشاره می‌کند. هم‌چنین است آیاتی که در مدح انسان وارد شده و از او با کرامت و عظمت یاد می‌کند، اشاره به بُعد فطری و عقلی دارد. انسان به حسب غریزی، حریص و به حسب فطری، کریم است. از این آیه استفاده می‌شود حرص، سرچشمهٔ بخل و بی‌تابی است. طبع بشر فزون طلب است؛ هرچه کسب کند احساس کمبود می‌کند، اگر خود را اصلاح و کنترل نکند، همواره احساس ضعف و عقب‌ماندگی می‌کند. مردی به شکایت نزد امام صادق علیه السلام آمد و عرض کرد: من به دنبال مال دنیا می‌روم، آن را به دست می‌آورم، ولی قانع نمی‌شوم و همواره نفسم با من در نزاع است و از آن بیشتر می‌خواهد. به من چیزی بیاموزید که از آن بهره برم. امام علیه السلام فرمود: «اگر آن مقدار درآمد که امر بر کفایت

۱. معارج، ۱۹ - ۲۱.

۲. مصطفوی، التحقیق،

می‌کند، بی‌نیازت می‌سازد چیزی جزئی از مال تو را غنی می‌نماید و اگر درآمدی برای تو کافی است و بی‌نیازت نمی‌کند، تمام آنچه در دنیاست نیز تو را بی‌نیاز نخواهد کرد.^۱ یعنی حرص، خطرناک است، اگر می‌خواهی از شرّ حرص خلاص شوی، هدف خود را از کسب مال، اداره زندگی سعادت‌مند قرار بده. حرص و فزون‌طلبی، بیماری‌هایی است که درمان جز مال‌اندیشی و کنترل طغیان ندارد. قرآن می‌فرماید: «تکاثر و فزون‌طلبی شما را به خود مشغول کرده، تا آن‌جا که به زیارت و شمردن قبور نرفته‌اید».^۲

پیام‌های آیه

۱. نشانهٔ حرص بودن دو چیز است؛ جزع به هنگام سختی و بخل به هنگام کامیابی.
۲. ریشهٔ بسیاری از ناهنجاری‌ها، حرص و بخل است.
۳. انسان کم‌ظرفیت است؛ با تماس سختی یا کامیابی، فریاد می‌زند یا بخل می‌ورزد.
۴. راه نجات از اخلاق ناپسند، مداومت به نماز است.
۵. طبع مادی انسان به سوی حرص و بخل تمایل دارد و یاد خدا آن را مهار می‌کند.^۳

آیات و عناوین مرتبط

آثار حرص: آخرت‌گریزی: (بقره، ۹۴ - ۹۶)؛ استهزا: (همزه، ۱ - ۲)؛ بخل: (معارج، ۱۹ و ۲۱)؛ بی‌توجهی به مساکین: (فجر، ۱۸ و ۲۰)؛ بی‌صبری: (معارج، ۱۹ - ۲۰)؛ تحریف دین: (مائده، ۴۱ - ۴۲)؛ ذلت: (فجر، ۱۶ - ۱۷ و ۲۰)؛ رسوایی: (مائده، ۴۱)؛ عیب‌جویی: (همزه، ۱ - ۲)؛ مانع رستگاری: (حشر، ۹).

عوامل حرص: پندار جاودانگی: (همزه، ۲ - ۳)؛ شیطان: (بقره، ۳۵ - ۳۶)؛ ظلم: (بقره، ۹۵ - ۹۶)؛ ناامیدی از آخرت: (بقره، ۹۴ - ۹۶).

موانع حرص: امانت‌داری: (معارج، ۱۸ - ۱۹، ۲۲ و ۳۲)؛ انفاق: (معارج، ۱۹، ۲۲ و ۲۴ - ۲۵)؛ ایمان: (حشر، ۹)؛ ترس از عذاب: (معارج، ۱۹، ۲۲ و ۲۷)؛ توجه به رزق خدا: (طه، ۱۳۱)؛ عفت: (معارج، ۱۹، ۲۲ و ۲۹)؛ عقیده به معاد: (معارج، ۱۹، ۲۲ و ۲۶)؛ گواهی: (معارج، ۱۸ - ۱۹، ۲۲ و ۳۳)؛ نماز: (طه، ۱۳)؛ معارج، ۱۸ - ۱۹ و ۲۱ - ۲۲)؛ وفای به عهد: (معارج، ۱۸ - ۱۹، ۲۲ و ۳۲).^۴

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۳۹.

۲. تکاثر، ۱ - ۲.

۳. قرآنی، تفسیر نور، ج ۱۲، ص ۲۱۶.

۴. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، فرهنگ قرآن، ج ۱۰، ص ۳۸۶ - ۳۸۷ و ۳۹۳ - ۳۹۵.

آثار حرص از دیدگاه روایات

۱. خواری

امام علی علیه السلام فرمود: «از آزمندی و طمع بپرهیز که آزمند، در گرو خواری و رنج است».^۱

۲. نابودی

امام علی علیه السلام فرمود: «چه بسا حریص که حرصش او را می‌کشد».^۲

۳. گناه

امام علی علیه السلام فرمود: «حرص و آزمندی، کلید رنج و مرکب سختی و موجب فرو افتادن در گناهان است».^۳

۴. محرومیت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «انسان حریص، محروم است و با این محرومیت، در همه چیز مورد سرزنش است».^۴

۵. نابودی یقین

امام علی علیه السلام فرمود: «حرص یقین‌ها را از بین می‌برد».^۵

ریشه‌های حرص

۱. دنیا دوستی

امام علی علیه السلام فرمود: «هرکس دنیا را دوست داشته باشد به سه درد مبتلا می‌شود؛ ۱. اندوهی که رهایش نمی‌کند؛ ۲. حرصی که از او دست برنمی‌دارد؛ ۳. آرزویی که بدان نمی‌رسد».^۶

۱. آمدی، غرر الحکم، ج ۱، ص ۱۳۵.

۲. همان، ص ۴۱۵.

۳. حرّانی، تحف العقول، ص ۶۰.

۴. ری شهری، ترجمه میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۱۰۶، ش ۳۶۱۲.

۵. احسان‌بخش، آثار الصادقین، ج ۱۶، ص ۲۶.

۶. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۱۲۰.

۲. بدبینی به خدا

امام علی علیه السلام فرمود: «بخل، ترس و حرص، غرایز مختلفی هستند که یک ریشه دارند و آن بدگمانی به خداست».^۱ کسی که به تأمین روزی الهی اطمینان ندارد، حرص می‌ورزد. اگر انسان بداند آنچه در راه خدا می‌دهد چند برابر آن را می‌گیرد و اگر بداند هر کس روزی مقدر دارد حرص نمی‌ورزد.

۳. نادانی

امام علی علیه السلام فرمود: «حرص و ولع و بخل، نتیجهٔ جهل و نادانی است».^۲

۴- ضعف ایمان

امام علی علیه السلام فرمود: «حرص زیاد از قدرت هوس و ضعف دین‌داری است».^۳

درمان حرص

۱. پناه بردن به خدا

قرآن می‌فرماید: «پناه بردن به خدا و استمداد از حق تعالی، چرا که اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود هیچ کس از شما هرگز پاک نمی‌شد».^۴

۲. اقامهٔ نماز

اقامهٔ نماز با شرایط هشت‌گانه زیر، حرص را درمان می‌کند:
استمرار بر نماز،^۵ کمک مالی به محرومان،^۶ تصدیق روز قیامت،^۷ بیمناک بودن از عذاب خدا،^۸ حفظ خود از هر بی‌عفتی،^۹ ادای امانات و رعایت عهد،^{۱۰} قیام برای گواهی دادن^{۱۱} و محافظت اوقات نماز.^{۱۲}

۱. نهج البلاغه (دستی)، نامه ۵۳.

۲. آمدی، غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۶۷۱.

۳. همان، ص ۵۷۷۲.

۴. نور، ۲۱.

۵. معارج، ۲۳.

۶. همان، ۲۴ - ۲۵.

۷. همان، ۲۶.

۸. همان، ۲۷.

۹. همان، ۲۹.

۱۰. همان، ۳۲.

۱۱. همان، ۳۳.

۱۲. همان، ۳۴.

۳. هم‌نشینی با فقرا

اگر انسان همیشه با اغنیا باشد خوی آنها را می‌گیرد. حضور در محله‌های فقیرنشین، سر زدن به بینوایان و مراوده با افراد پرهیزکار کم‌درآمد، حس کفاف را در انسان تقویت کرده، از حرص ممانعت می‌کند. در شأن نزول آیه «واصبر نفسک مع الذین یدعون...»^۱ آورده‌اند: جمعی از ثروتمندان مستکبر و اشراف از خود راضی به حضور پیامبر ﷺ رسیدند، در حالی که افرادی مانند سلمان، ابوذر و صهیب نزد آن حضرت بودند، گفتند: اگر اینها را از خود دور سازی که لباس خشن و پشمینه دارند ما نزد تو می‌آییم و در مجلس حاضر می‌شوم و از سخنان تو بهره می‌بریم؛ ول با این وضعیّت، این‌جا جای ما نیست. وقتی این آیات نازل شد رسول خدا ﷺ فرمود: «حمد خدا را که نمردم و به من چنین دستوری داده شد تا با شما باشم» «معکم المحیا ومعکم الممات»^۲.

۴. کسب آخرت با نعمت‌های دنیوی

در آیه سوره قصص، به قارون ثروتمند حریص و خودخواه بنی‌اسرائیل که از قوم موسی بود و آن قدر ثروت داشت که صندوق‌های اموالش را مردان نیرومند به زحمت جابه‌جا می‌کردند؛ چهار اندرز مهم و کلیدی می‌دهد تا کمر حرص را شکسته و تعدیل شود:

یکی این‌که، با مال و ثروت آخرت را جست‌وجو کن: «وابتغ فیما اتاک الله الدار الآخرة»^۳.

دوم این‌که، سهم و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن؛ یعنی از سلامت، قدرت، فراغت، جوانی و نشاط خود برای آخرت خرج کن.^۴ سوم این‌که، خدا به تو نیکی کرده تو هم به مردم نیکی کن و چهارم این‌که، هرگز بر روی زمین فساد مکن. ثروت و حرص موجب فساد است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «فسادهای ظاهری افراد حکایت از فساد درونی دارد. این نوع فسادهای از آرزوهای دراز، حرص، پیروی نفس و شهوت‌رانی سرچشمه می‌گیرد»^۵.

۱. کهف، ۲۸.

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ص ۷۱۸.

۳. قصص، ۷۷.

۴. حویزی، نورالتقلین، ج ۴، ص ۱۳۹.

۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۹۶.

۵. پرهیزکاری

امام علی علیه السلام فرمود: «طمع را با ورع و پرهیزکاری ریشه‌کن کنید».^۱

حرص مثبت

حرص که میل و علاقه شدید به چیزی است اگر به کار خیر تعلق گیرد معنای ارزشی دارد. در حالات پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، قرآن می‌گوید: «رسولی از خود شما به سوی‌تان آمد که رنج‌های شما بر او سخت است و بر هدایت شدن شما حرص می‌ورزد».^۲ این حرص ارزشمند است یا امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «حرصی بالاتر از رقابت در رسیدن به درجات نیست».^۳ یا حرص در کسب علم^۴ باشد یا در انجام واجبات الهی و ترک محرّمات.

حکایت

۱. قناعت یا مرگ

سعدی می‌گوید: بازرگانی را شنیدم که ۱۵۰ شتر بار داشت و چهل بنده و خدمت‌کار، شبی در جزیره کیش مرا به حجره خویش درآورد، همه شب نیارمید. از سخن‌های پریشان گفتن، که فلان انبارم به ترکستان و فلان بضاعت به هندوستان است و این قبائله فلان زمین است و فلان چیز را فلان کس ضامن، گاه گفتم: خاطر اسکندریه دارم که هوایی خوش است، باز گفتم: نه، که دریای مغرب مشوش است. سعدیا! سفری دیگرم در پیش است اگر کرده شود، بقیت عمر خویش به گوشه‌ای بنشینم، گفتم: آن کدام سفر است؟ گفت: گوگرد پارس خواهیم بردن به چین که شنیدم قیمتی عظیم دارد و کاسه چینی به روم آرم و دیبای روم به هند و فولاد هند به حلب، حلبی به یمن و بُرد یمانی به پارس و ز آن پس ترک تجارت کنم و به دکان بنشینم. بی‌انصاف از این ماخولیا چندان فرو گفت که بیش طاقت گفتنش نماند. گفت: ای سعدی! تو هم سخنی بگوی از آنها که دیده‌ای و شنیده‌ای، گفتم:

آن شنیدستی که در اقصای غور
بار سالاری بیفتاد از ستور
گفت: چشم تنگ دنیا دوست را
یا قناعت پر کند یا خاک گور^۵

۱. آمدی، غرر الحکم، ص ۲۹.

۲. توبه، ۱۲۸.

۳. حرّانی، تحف العقول، ص ۲۸۶.

۴. نهج البلاغه (دشتی)، خطبة ۱۹۳.

۵. سعدی، گلستان، باب ۳، حکایت ۲۱، ص ۷۸.

۲. حرص حتی پس از مرگ

سلطان محمودشاه مقتدر غزنوی، از دنیا رفت. پس از مدتی یکی از شاهان خراسان او را در خواب دید که همه اعضای او متلاشی شده و ریخته بود و خاک شده بود جز چشمانش که می‌گردید، نگاه می‌کرد! حکیمان از تعبیر خواب او فرو ماندند، جز درویشی که گفت: تعبیرش این است که هنوز نگران سلطنت و ملک خود است که در دست دیگران افتاده است.^۱

۳. ساده‌زیستی مانع حرص

مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری(ره) خادمی داشت به نام شیخ علی، او می‌گوید: شبی از شب‌های زمستان در بیرون منزل خوابیده بودم. صدای در بلند شد. برخاستم و در را باز کردم. دیدم زن فقیری است اظهار کرد شوهرم مریض است نه دارو دارم نه غذا، نه زغال که خود را گرم کنیم. گفتم: خانم! این موقع شب کاری نمی‌شود کرد، زن ناامید برگشت آقا که حرف‌های ما را می‌شنید مرا صدا زد و گفت: شیخ علی! اگر روز قیامت خداوند از من و تو بازخواست کند که در این ساعت شب بنده من در خانه شما آمد، چرا او را ناامید کردی؟ چه جوابی بدهیم؟ آیا منزل او را بلدی؟ گفتم: آری، اما میان این گل و برف مشکل است. فرمود: بلند شو برویم، با هم رفتیم. دیدیم آن زن راست می‌گفت، همسرش مریض بود و چیزی در خانه نبود. به دستور آقا رفتم دکتر صدر الحکماء را آوردم، نسخه داد، رفتم، گرفتم. سپس فرمود: برو منزل فلان علف بگو: یک گونی زغال به حساب من بدهد. غذا آوردیم، فردای آن روز فرمود: روزی چه قدر گوشت برای منزل ما می‌گیری؟ عرض کردم: هفت سیر. فرمود: نصف آن را هر روز در خانه این زن ببر، نصف ما را بس است.^۲

۱. همان.

۲. رفیعی، گفتار رفیع، ج ۲، ص ۵۹؛ به نقل از: اسلام مجسم نوری همدانی، ص ۵۲۲.